



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی - 1 / تیر / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خیلی خوشحالم از این که امروز در این جا با جمع فرزندان و نخبگان جوان و محققانی که آینده ی درخشانی را برای فضای علمی کشور نوید می دهند، دیدار داریم. مطمئن باشید که اگر وقت و مجال بود و یک یک شما درباره ی مسائل جهاد، علم، تحقیق و کارهایی که مشغول هستید، صحبت می کردید، من با رغبت تمام گوش می کردم و لذت می بردم. نعمت وجود شما برادران و خواهران عزیز را به درگاه خداوند متعال عمیقاً شاکر هستم و از آن جایی که «لان شکرتکم لأزیدتکم»، امیدوارم که به برکت شکر و سپاس قلبی یی که من پیش خدا به خاطر وجود شما دارم، خداوند به وجود شماها برکت، و کمّ و کیف شما را روزبه روز افزایش دهد.

یک جمله درباره ی جهاد دانشگاهی عرض می کنم؛ یک جمله در باب مسأله ی علم و تحقیق در کشور، و یک جمله هم در باب این مسأله ی جاری ما که جنجال جهانی برای مسائل هسته یی ایران به راه افتاده است. در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می دهد که می توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ درپوزه گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته یی از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. میدانهایی دارد؛ یکی از میدانهای حضور در نبردهای مسلحانه ی رایج جهانی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می گیرد، جهتدار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می شود؛ این می شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزه یی، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه ی تقدس هم پیدا می کند. شما مبارزه ی علمی می کنید؛ زیرا این کار شما به طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمتگیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده ایم. خوشبختانه جهاد به انتظاری که از آن می رفت، پاسخ داد. یک روز شاید فکر می شد که جهاد یک حرکت گلخانه یی است که برای نمونه سازی درست کردیم. امروز این گلخانه دارد فضای جامعه را به گلستان تبدیل می کند. نه تنها به نمونه سازی اکتفا نکرده، بلکه برکات خودش را دارد سرریز می کند. همین آمارهایی که دادند - البته قبلاً هم برایم فرستاده بودند و مرور کرده بودم - بسیار پرمعناست. این که شما در صفوف مقدم علم در بعضی از بخشها دارید حرکت می کنید و آن را برای پیشرفت علمی و صنعتی و فناوری کشور به کار می گیرید و تحقیق را رشد می دهید، معنایش این است که این گلخانه دیگر گلخانه نیست، بلکه فضای باز و معطری است که در حال گسترش است، و من طرفدار این گسترش هستم؛ باید این گسترش روزبه روز بیشتر شود. در اولین گزارشی که ایشان ذکر کردند، تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی بود که من گزارشهای بسیار خرسندکننده یی را از این کار تحقیقی برجسته دریافت کردم که اینها گویا اولین بار در دنیا - آن طور که در ذهنم هست - سلولهای انسولین ساز را تولید کردند و من اخیراً در روزنامه خواندم که سلولهای بنیادی قلب را برای ترمیم قلب به مرحله ی آزمایش و عمل درآورده اند و پیوند زده اند. اینها معنایش همان سرریز شدن این برکات به سطح جامعه است. بقیه ی مواردی هم که ذکر کردند، هر کدام مثال بارزی برای برکات جهاد دانشگاهی است.



در دنیا برای این که ثابت کنند که علم ذات سکولار دارد و دانش با ارزشها کاری ندارد، خیلی سعی شد و برایش فلسفه درست کردند؛ استدلال کردند و بحث کردند برای این که مفهوم دانش را یک مفهوم مجرد از ارزشها معرفی کنند؛ درست نقطه ی مقابل کاری که الان شما کرده اید. شما می گوئید جهاد دانشگاهی؛ جهاد یک ارزش است. حقیقت مطلب هم این است که علم و عقل ابزار دو جنبه یی است؛ می تواند در خدمت ارزشها قرار بگیرد، می تواند در خدمت حیوانیت و سبُعیت قرار بگیرد. بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسانهای دنیاطلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می شود که امروز شما در دنیا مشاهده می کنید؛ یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملتها، اشغالگری و برای ترویج فحشاء، سکس و هروئین خواهد شد. اگر علم نبود، استعمار هم نبود. اروپاییها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملتها را زیر سلطه یی استعمار بگیرند و به اختلاف مناطق، صد، صدوپنجاه و دویست سال ملتها را عقب نگه دارند و آنها را از سرمایه های مادی خودشان محروم کنند؛ استعدادهای انسانی شان را سرکوب کنند و کشتار به راه بیندازند. وقتی علم در مدیریت انسانهایی قرار گرفت که جز به جنبه های حیوانی زندگی نمی اندیشند، همین خواهد شد. اما اگر علم به وسیله یی بندگان صالح مدیریت شد، آن وقت خدمت می کند و زیان نمی رساند. اگر آن کسانی که انرژی هسته یی را کشف کردند، اهل فضیلت و تقوا بودند، اگر آن کسانی که آن را به کار گرفتند، اهل فضیلت بودند و بندگان صالح، هرگز حادثه یی هیروشیما پیش نمی آمد. تا امروز هم که شما نگاه می کنید، می بینید که اینها تا آن جایی که می توانند، همچنان از این نیروی مخرب استفاده می کنند. این قدرتها توان هسته یی ضعیف شده را در جنگ ده، دوازده سال پیش که با عراق داشتند به کار بردند، در همین حوادث هم از آن استفاده کردند، و در بعضی از مناطق دیگر دنیا هم این سلاح را به کار بردند که مایه یی قطع نسل و حرث شد؛ «یهلک الحرث و الثسل والله لایحب الفساد»، که منطبق بر آیه یی قرآنی است. انسانها را مقطوع النسل و زمینها را ضایع کردند. سالهای متمادی - خدا می داند - آثار مخرب آن اشعه یی مسموم کننده و نابودکننده را برای ملتها و برای نسلهای آینده باقی گذاشتند. اگر مدیریت علم دست انسانهای صالح باشد، این مسائل پیش نمی آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می تواند این طور باشد. بنابراین، این که ما بیاییم علم را سکولاریزه کنیم؛ ثابت کنیم که علم نمی تواند با ارزش همراه باشد، یک مغالطه یی بسیار بزرگ و فریب بزرگ برای ذهن انسانهاست؛ خیر، علم می تواند با ارزش همراه باشد. معنویت اسلامی با حیوانیت، با فساد و با سوءاستفاده یی از علم مشکل دارد، نه با دانش و فناوری و تحقیق. می تواند معنویت همراه با علم باشد و می تواند نتایج دانش و پژوهش در جهت معنویت حرکت کند.

شما اسمتان جهاد دانشگاهی است؛ روی این اسم تکیه کنید و به مقتضای این اسم تمسک کنید و حقیقتاً جهاد کنید. وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدفدار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته یی دانش در همه یی زمینه ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه یی استقلال، روحیه یی توکل به خدا و روحیه یی کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راههای میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا این جا سرزمین علم خیز است و شماها نشان دادید که می شود. درهای بسیاری از این دانشها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیردارندگان بسته است و وقتی اجازه می دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است. البته در همه یی زمینه ها همین طور است؛ در زمینه های علوم انسانی هم همین طور است. من آن روز به دوستانی که در زمینه های اقتصاد و مدیریتهای گوناگون کشوری کار می کنند و در این جا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضی ها در این جا دنبال می کنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آنها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آنها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در این جا - کسانی که مجذوب حرف آنها



هستند - تازه دارند آن دنباله ها را مطرح می کنند! بعضی می گویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و امریکا تعبد دارند! این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمی کنند، ولی تعبد در مقابل سرمایه داری غرب و دستگاه های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه داری را با جان و دل می پذیرند!

این نهاد انقلابی است؛ انقلابی بمانید؛ توصیه می مؤکد من این است. حرکت انقلابی بر خلاف القائات افراد خبیث و یک عده از قلم به مزدهای داخلی که آن را ترویج می کنند و این طور القاء می کنند که انقلاب یعنی آشفتگی؛ سردرگمی؛ هیچی به هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن، نیست، بلکه انضباط انقلابی، برترین و قویترین انضباطهاست. بی نظمی بی که اول انقلاب دیده می شود، به خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده بی وجود دارد، که باید آن را به هم ریخت و بنای نوینی گذاشت. آن به هم ریختگی متعلق به اول انقلاب است؛ انقلاب که آن به هم ریختگی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است؛ انقلاب یعنی سازندگی؛ یعنی رویش و بالندگی. رویش و بالندگی بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممکن است؟! بهترین کارها را کسانی کرده اند که با روحیه بی انقلابی کرده اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بمانید. روحیه بی انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.

درباره بی مسأله بی علم و تحقیق باید بگویم که عمده بی موضوعهایی که قدرتهای سلطه گر در نظام سلطه بی جهانی برای حفظ این رابطه بی سلطه گر و سلطه پذیر رویش تکیه می کنند، سه موضوع است: سلطه بی فرهنگی، سلطه بی اقتصادی، سلطه بی علمی. لازمه اش هم این است که نگذارند آن طرف سلطه پذیر یا آن کسی که سلطه بر او تحمیل شده، در این سه زمینه به استقلال و به خودباوری و به پیشرفت برسد؛ نه در زمینه بی مسائل فرهنگی، شامل ایمان و اعتقاد و فرهنگی به معنای خاص؛ ارزشها و هدفها و جهت گیریها؛ نه در زمینه بی اقتصادی، و نه در زمینه بی علمی.

کشورهای تحت سلطه هرگز یک اقتصاد درست و حسابی نداشته اند. گاهی یک رونق ظاهری داشته اند، که می بینید در بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فروخواهد ریخت و نابود خواهند شد. شما دیدید که یک سرمایه دار توانست چند کشور آسیای جنوب شرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسعه بی نسبتاً خوب و رونق اقتصادی داشتند. رئیس یکی از همین کشورها در همان روزها به مناسبتی به تهران آمده بود و با بنده ملاقات کرد و گفت همین قدر به شما بگویم که ما در یک شب بکلی فقیر شدیم! یک سرمایه دار امریکایی، یهودی مثل نخی که به یکباره می کشند و یک بنا؛ بنای عروسکی، روی هم می ریزد، عمل کرد و یک نخ را کشید و همه چیز را به هم ریخت. امریکاییها آن جایی که لازم داشتند، پنجاه، شصت میلیارد تزریق کردند - پنجاه میلیارد به یکی، سی میلیارد به یکی دیگر - اما آن جایی که لازم نداشته باشند، تزریق نمی کنند و آن کشور را به خاک سیاه می نشانند. البته تزریق کردن یعنی این که دوباره همان ساخت عروسکی را به شکل دیگری برپا کنند. به هر حال، نمی گذارند اقتصاد این کشورها استحکام پیدا کند.

در رابطه با فرهنگ کشورهای تحت سلطه، اولین کاری که سلطه گران می کنند - که از قدیم مرسوم بوده است - این است که فرهنگ این کشورها را؛ زبانشان، ارزشهایشان، سنتها و ایمانیشان را با تحقیر، با فشار، با زور، و در مواقعی به زور شمشیر و درآوردن چشم - که در تاریخ مواردی از آن را داریم - نابود می کردند و نمی گذاشتند که مردم به زبان خودشان تکلم کنند؛ برای این که زبان وارداتی را قبول کنند. وقتی انگلیسیها به شبه قاره هند آمدند، زبان فارسی را که زبان دیوانی رایج بود، نگذاشتند پابرجا بماند و با گلوله و با فشار گفتند که حق ندارید فارسی حرف



بزنید؛ فارسی را منسوخ کردند؛ انگلیسی را به جایش آوردند. در دوره ی حکومت سیاه پهلوی ها هم باورهای مذهبی و عمومی و نیروبخش به جامعه؛ ایمان و اعتقادات، را از مردم بتدریج بیرون کشاندند و غیرت زدایی و ایمان زدایی کردند.

یکی از موضوعهایی که نمی گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و بشدت مانع آن می شوند، مسأله ی علم است؛ چون می دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی ها با علم به قدرت رسیدند؛ این یکی از پدیده های تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آنها در جهالت بودند. در همان دوره ی قرون وسطا، که خودشان توصیف می کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما بمجردی که آنها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه ی سیاسی و جذب ثروت ملتها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها می دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه ی سلطه گر و سلطه پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایلند سلطه پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بروبرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.

ما در دوران قبل از انقلاب سالهای متمادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره ی خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به طور طبیعی در بین ملتها به وجود آمد، دوره ی فریب بود. نمی گذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود؛ سرگرم می کردند و راه تحقیق را باز نمی کردند؛ استعدادها را پرورش نمی دادند و تشویق نمی کردند. انقلاب آمد این دیوارها و این مرزها و این محدودیتها را برداشت و خودآگاهی علمی به وجود آمد؛ اما این حرکت بدون مدیریت، بدون حرکت و بدون عزم و اراده به جایی نخواهد رسید. همه ی کارها، از جمله مسأله ی تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش بُرد. البته بخشی از این کار مربوط به مسؤولان دولتی است و بخشی مسؤولیت دانشگاه ها و بخش دیگر مربوط به مسؤولیت مراکز علمی است. و شما به عنوان جهاد دانشگاهی جزو بهترین مراکز هستی که می توانید در این مسأله اهتمام بورزید و احساس مسؤولیت کنید؛ که البته می کنید. خوشبختانه من شاهدم و می بینم که پیشرفت شما در کار علم خیلی خوب بوده؛ دنبال کنید.

رئیس محترم جهاد دانشگاهی پیشنهاد کردند که مسأله ی تولید علم و نهضت نرم افزاری - این شعاری که ما مطرح کردیم - به وسیله ی جهاد دانشگاهی مدیریت شود. این موضوع برای من مطلب تازه یی است که کاملاً قابل بررسی است. کار علمی تان را اهمیت بدهید. البته کار فرهنگی هم جداگانه به همین اندازه اهمیت دارد؛ کار روی ایمان، کار روی باورهای شجاعت آور، عزت آور و آگاهی آور، که ایمان اسلامی جامع همه ی اینهاست. این موضوع خودش یک بحث جداگانه یی است که البته در جای خود شما به آن هم می پردازید که آن نیز بسیار خوب است. و اما راجع به این مسأله یی اخیر که دشمنان جمهوری اسلامی و در رأس آنها و خبیث تر از همه یی آنها دولت ایالات متحده ی امریکا جنجال علیه جمهوری اسلامی درست کردند و آن را مستمسکی دانسته اند برای این که بتوانند روی جمهوری اسلامی فشار بیاورند. این همان احقاد بدربه و خیبریه و حنینیه است؛ آن کینه های انباشته یی ناشی از انقلاب اسلامی و قطع ید امریکا از این کشور، که می خواهند آنها را در این جا به یک نحوی جبران کنند. آنها دهانهایی آلوده شان را علیه ملت ایران باز کردند و هرچه به دهانشان آمد، گفتند. کسانی که به فریب و دروغ و تقلب شهره یی جهان هستند، جمهوری اسلامی را متهم کردند به فریب گری و خلاف گویی! کسانی که خباثت و دشمنی آنها با نوع بشر از روز روشن تر است و همه دارند آن را در صحنه های مختلف می بینند، جمهوری اسلامی را به نقض حقوق بشر متهم کردند! و خود به عنوان مدعیان حقوق بشر در صحنه ظاهر می شوند! امریکای رسوا که زندانهای آن در





سرتاسر جهان و از جمله در عراق و در افغانستان است - چند روز پیش در خبرها آمده بود که امریکا حدود بیست زندان از قبیل زندان ابوغریب دارد - و این مجموعه یی که امروز دارند داعیه ی حاکمیت بر دنیا را بر روی دوش خود حمل می کنند و مظهر فاجعه آفرینی و ضدیت با حقوق انسان و وحشیگری کامل هستند، ادعا می کنند که طرفدار حقوق بشرند! ببینید چقدر باید برای بشر انحطاط باشد و واقعاً برای نسل بشر امروز ننگی از این بالاتر نیست که یک چنین انسانهایی، یک چنین وحشی هایی؛ گرگهای خون آشام و درنده، ادعا کنند که طرفدار حقوق بشرند! و آن وقت همین ها دهانهایشان را علیه جمهوری اسلامی باز کردند و یاوه گویی و هرزه درایی کردند و هر چه به دهندشان آمد، گفتند.

البته آنها درعین حال دو کار دارند می کنند: از آن طرف یاوه گویی می کنند و متهم می کنند که جمهوری اسلامی دارد بمب اتم درست می کند، فاصله اش تا سلاح اتمی این قدر فاصله ی کمی است و امروز اگر اراده کند، چند ماه دیگر یا دو سال دیگر به سلاح اتمی دست خواهد یافت؛ از طرف دیگر و با زبان دیگری این طور وانمود می کنند که فایده یی ندارد و دنبال دانش هسته ای نگردید؛ کوچک ابدالها و غلامان حلقه به گوششان هم در داخل همین کارها را دارند دنبال می کنند و این مطالب را می نویسند. این قلم به مزدها، که متأسفانه در کشور ما همیشه بوده اند، می گردند تا قلم و نوشته و دست و هنر خودشان را دقیقاً در خدمت همان موضوعی قرار دهند که دشمن این ملت دنبال آن است. این متملق های حقیر و پست و البته پُرمدها، با زبانهای مختلف می گویند دنبال دانش هسته یی نگردید و اگر آن را می خواهید، باید بروید عتبه ی امریکا را ببوسید، تا بتوانید به آن برسید. آنها می گویند، اینها هم همان را بازتاب می دهند و تکرار می کنند.

بین فناوری هسته یی و سلاح هسته یی، خلط مبحث می شود و حقیقت قضیه غیر از اینهاست، در حالی که این دو ربطی به همدیگر ندارند و دو چیز هستند. سلاح هسته یی بر غنای بالای نود درصد اورانیوم و با تکنولوژی پیچیده متوقف است و کسی دنبالش خواهد رفت که انگیزه اش را داشته باشد. ما انگیزه اش را نداریم، دنبالش هم نرفته ایم و نمی خواهیم برویم؛ ما احتیاجی به بمب هسته یی نداریم. ما تا امروز اگر بر دشمنان خودمان غلبه کرده ایم، با بمب هسته یی غلبه نکردیم. ملت ایران بیست و پنج سال است امریکا را شکست داده؛ مگر غیر از این است؟ امریکا که بیست و پنج سال از ملت ایران شکست خورده، با چه شکست خورده؟ ما با بمب هسته یی امریکا را شکست دادیم، یا با عزم، اراده، ایمان، آگاهی و با اتحاد خودمان؟ ما فهمیده ایم چه می خواهیم؛ فهمیده ایم دنبال چه چیزی هستیم؛ راه را هم شناختیم و حرکت هم کردیم و از توپ و تشر این و آن هم نترسیدیم؛ ما این طوری غلبه پیدا کردیم؛ ما با بمب هسته یی که غلبه پیدا نکردیم. شوروی سابق مگر بمب هسته یی نداشت؟ تعداد بمبهای هسته یی شوروی سابق احتمالاً از تعداد بمبهای هسته یی امریکا بیشتر هم بود. شکست نخورد؟! پیروزی و شکست در صحنه های اساسی دنیا با این چیزها نیست. ما امروز یک الگو را به دنیای اسلام ارائه کردیم؛ الگوی مردم سالاری دینی، الگوی استقلال و عزت ملی. امروز دنیای اسلام علیه امریکا در طول بیست و پنج سال بسیج شده اند و ملتها مرگ بر امریکا می گویند. مرگ بر امریکا را چه کسی می گفت؟ غیر از جمهوری اسلامی و غیر از ملت ایران چه کسی می گفت؟ امروز همه دارند می گویند. ما با بمب اتم پیش نرفتیم. پیروزی در صحنه های عظیم و تاریخی و ماندگار که با این سلاحها حاصل نمی شود. امروز رژیم صهیونیستی مگر بمب هسته یی ندارد؟ آن طور که نقل می کنند، دویست یا شاید سیصد کلاهک هسته یی الان در داخل انبارهای رژیم صهیونیستی هست؛ اما رژیم صهیونیستی الان چند سال است که در برابر طرف مقابلش که تفنگ هم ندارد و فقط سنگ دارد؛ البته سنگ همراه با اراده و سنگ با پشتوانه ی ایمان، عاجز مانده است. مسأله یی ما مسأله یی بمب هسته یی نیست؛ ما بمب هسته یی را می خواهیم چه کار کنیم. وانگهی وقتی از بمب هسته یی استفاده می کنند، فقط آنها یی که دشمن هستند کشته نمی شوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند، کشته می شوند و این بر خلاف عقیده ی ماست؛ بر خلاف ممشی و روش

ماست. بمب هسته یی که بزّ و فاجر را می برد؛ خوب و بد را از بین می برد؛ تر و خشک را با هم می سوزاند، کار نظام اسلامی نیست.

و اما مسأله یی فناوری هسته یی و آن مقداری که ما دنبالش هستیم، مقوله یی دیگری است. این جا فقط اشتراکی که دارند، در ماده یی اورانیوم است. آن، اورانیوم نود درصد و صنعت پیچیده یی سلاح سازی را احتیاج دارد، و این، اورانیوم بین سه و چهار درصد برای سوخت نیروگاه اتمی، که امروز ما در بوشهر داریم. اورانیوم غنی شده یی سه تا چهار درصد کجا و بالایی نود درصد کجا! این چیزی است که طبق مقررات بین المللی برای همه آزاد است و هیچ اشکالی ندارد؛ همه یی کشورها اگر به اورانیوم نیاز داشته باشند - یا نیاز هم نداشته باشند - می توانند آن را تا سه، چهار درصد تولید کنند. معاهده یی بین المللی NPT هم وجود دارد که همه قبول کرده اند، ما هم قبول کردیم و از لحاظ مقررات جهانی هم هیچ اشکالی ندارد. اگر ما این فناوری را نداشته باشیم، معنایش این است که فردا که راکتور هسته یی بوشهر ساخته شد، ما برای سوختش باید برویم در خانه یی این کشور و آن کشور را بزنیم و بگوییم به ما سوخت بدهید. اگر یک روز به هر دلیلی - به دلیل سیاسی، مسائل بین المللی و یا روابط دوجانبه - نخواستند به ما سوخت بدهند، یعنی این که ما دیگر نیروگاه نداریم؛ آنها این را می خواهند. آنها می خواهند شما بخاری را داشته باشید، نفت بخاری دست آنها باشد. یعنی وابستگی را با ایجاد راکتور هسته یی بیشتر کنند، نه کمتر. آنچه امروز جنرال امریکاییها علیه ایران را به وجود آورده و اینها را دستپاچه کرده، این است که اینها دارند می بینند که ایران نیروگاه هسته یی را به وجود آورده و می تواند برق هسته یی تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می کند. این، اولین نقطه یی نگرانی اینهاست. من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آنها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می فروختند. این طور نبود که یک بشکه یی نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی و پنج دلار - و در واقع مفت - که ما الان داریم می فروشیم، بفروشند. ولی می بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه یی تجدیدنشدنی خودشان را تبدیل می کنند به یک پول ناقابل. اینها می خواهند همین معادله را در مسأله یی سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آنها باشیم.

نقطه یی دوم نگرانی آنها این است که از این ناراحتند که این دانش در داخل رشد کرده و روئیده است؛ یعنی در واقع بومی است. البته این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه یی آنها نرفتیم. محققان جوان خودمان - همین جوانهایی مثل شما - و صدها مغز متفکر و خوشفکر توانسته اند این دستگاه عظیم را راه اندازی کنند و به نتیجه برسانند؛ دانش را در میان خودشان بارور کنند؛ فناوری را به وجود بیاورند و در خانه یی این و آن نروند؛ این یکی از نگرانیهای آنهاست؛ چرا، چون می بینید این درست بر خلاف آن فلسفه یی استکباری است که کشورهای یی که می خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آنها باشند. آنها می دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله یی این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحتند؛ لذا جنرال می کنند. بنابراین حقیقت قضیه غیر از آن چیزی است که آنها می گویند.

مسئولان کشور ما در زمینه یی مسائل سیاسی این کار آنچه که باید بگویند، گفتند. آقای رئیس جمهور و مسؤولان این پروژه یی هسته یی و وزارت خارجه یی ما آنچه که گفتند، درست است. پاسخ یاوه گوییها و زیاده طلبیهای دیگران را آنها دادند. من درصد این نیستم که در این زمینه چیزی بگویم؛ من می خواهم حقیقت مطلب برای ملت ایران روشن شود. ملت ایران نمی خواهد یک ظلم مضاعف را قبول کند. اظهار نگرانی می کنند که شما ممکن است از این طریق بتوانید به سلاح هسته یی دست پیدا کنید. اگر اروپاییها و دیگران حقیقتاً راست می گویند و نگران سلاح



هسته یی هستند، ما می گوئیم نه، مطمئن باشید؛ ما دنبال سلاح هسته یی نیستیم؛ به همان دلیلی که گفتیم. اما اگر از این که ملت ایران این فناوری فاخر و برجسته را که متعلق به خود اوست و بومی است، دارد، ناراحتند و می خواهند آن را متوقف کنند، باز هم به آنها می گوئیم مطمئن باشید که ملت ایران زیر بار نخواهد رفت. آنچه که امروز محققان، دانشمندان و دولت ایران در زمینه یی فناوری هسته یی انجام می دهند، وظیفه یی بزرگ آنهاست و کار بزرگی است و این کار برای جلوگیری از وابستگی به بیگانگان و برای حفظ استقلال ملی است، که به آن نیاز دارد. یاوه گوها و یاوه بافها بیخود سعی نکنند این طور بپراکنند که چه لزومی دارد این کار و چرا دنبالش می کنند؛ نه، این نیاز ملت ایران است. امروز کشورهای پیشرفته یی دنیا بیشترین یا سهم مهمی از انرژی برق خودشان را از نیروگاههای هسته یی تولید می کنند، نه از نفت که هم سرمایه یی دودزاست، و هم تمام شدنی و هم قابل تبدیل به چیزهای بسیار ارزشمندتر از سوخت. آنها که می خواهند ملتهای دارای نفت را از این موهبت محروم کنند، می گویند شما که نفت دارید، دیگر به انرژی هسته یی چه نیازی دارید؟ مگر باید نفت را تمام کنیم، بعد دست به طرف شما حتماً دراز کنیم! سرنوشت ملتها نیاز به شماست؟ آنها می گویند نفت را مصرف کنید، بعد دستتان که خالی شد، محتاج ما شوید؛ بیایید در خانه یی ما. ملت ما نمی خواهد این را قبول کند و ما باید به سمت انرژی هسته یی برای تولید برق برویم؛ این نیاز کشور ماست؛ باید به این راه برویم، والا عقب ماندگیهای یکی دو قرن گذشته باز هم مضاعف خواهد شد و آن وقت یک قرن دیگر این ملت را عقب می اندازند. بنابراین رفتن دنبال این کار وظیفه یی ملی است. وقتی که دنبال این کار می رویم، بایستی قضیه را بومی کنیم و اگر بومی نکنیم، باز همان وابستگی و باز همان نیاز است. وقتی می خواهیم وابسته نباشیم و کار بومی باشد، البته فشار هست. باید در مقابل فشارها مقاومت کرد. آنها یی که نفهمیده علیه این فکر حرف می زنند، نمی فهمند و ملتفت نیستند که دارند به این ملت خیانت می کنند و همان چیزی را که امریکا می خواهد، بیان می کنند و بر زبان می آورند: چه لزومی دارد؟ چه احتیاجی داریم؟ ولش کنیم! بله، معلوم است که آنها دلشان می خواهد ما هیچ چیز تولید نکنیم و غذای حاضرمان را هم از آنها بگیریم؛ به شرطی که پول داشته باشیم. وقتی هم نداشتیم، اگر ملت از گرسنگی بمیرند، آنها که ابایی ندارند؛ چون هزارهزار می کشند و از مردن هزارهزار و میلیون میلیون هم هیچ باکی ندارند. وظیفه یی ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری و فناوری های مشابه، هر چه که ما را به اوج قله یی علم نزدیک کند، برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که می توانند، وظیفه یی آنهاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند.

از خداوند متعال می خواهیم که همه یی شماها را موفق بدارد؛ مؤید بدارد؛ کسانی که در راه استقلال علمی کشور دارند تلاش می کنند، ان شاءالله پیش خدای متعال مأجور و موفق باشند و ملت ایران ان شاءالله در پیشبرد این حرکت علمی و تحقیقی - که جوانهایش امروز بحمدالله شروع کردند - روزبه روز موفق تر باشند.  
والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته